روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه | ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ | ۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | ۱۵ آگوست ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۶۸۴ | ۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان

۱۱۹۱ سال و ۳۴۸ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4684 | SAT.AUG.15, 2026 | ISSN:2008-2886

«وطن‌امروز» گزارش می‌دهد
منطق شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز

تفاهمنامه کافی نیست

همین صفحه

گزارش «وطن امروز» از فشار واشنگتن برای خلع سلاح حشدالشعبی و سناریوهای خطرناک پیش روی عراق

دام آمریکایی در بغداد

صفحه ۳

گزارش «وطن امروز»
از ماجرای عجیب قیمت بنزین آزاد در کرمان؛ اظهار بی‌اطلاعی دولت و ضرورت برخورد با عوامل خاطی

خودسرها مشغول کارند!

صفحه ۴

عکس: میزان/امیرعباس قاسمی

تیترهای امروز

پس از بروز مشکلات لجستیکی و انسانی در ناو آبراهام لینکلن، ناو جرج واشنگتن جایگزین آن در منطقه خواهد شد

ناوهای خسته

جزئیات جدید از چگونگی انهدام جنگنده آمریکایی در آسمان ایران

پهپادها شکارچی F15ها

پیامدهای سیاسی و نظامی جنگ تحمیلی آمریکا علیه ایران برای دولت ترامپ از نگاه سی‌ان‌ان

آمریکا در گرداب جنگ فرسایشی

صفحات ۲ و ۳

گزارش هاآرتص درباره پیامدهای احتمالی تثبیت حکمرانی ایران بر تنگه هرمز

دود شد و به هوا رفت

نگاه
مهدی حسنی

در حالی که تلاش‌های دیپلماتیک کشور برای تعیین حدود قانونی اعمال حکمرانی ایران بر تنگه هرمز ادامه دارد، رسانه‌های جهان از پیروزی استراتژیک تهران ابراز تعجب می‌کنند. این ابراز تعجب از قدرت ایران، البته در رسانه‌های صهیونیست، بیشتر نوعی ترس نهفته در بین کلمات است. در یکی از آخرین نمونه‌ها، رسانه معروف هاآرتص، چاپ سرزمین اشغالی، در گزارشی به ابراز نگرانی از قدرت ایران پس از جنگ و سرنوشت منطقه با اعمال حکمرانی ایران بر تنگه هرمز پرداخته است.

به نوشته این روزنامه، به نظر می‌رسد برای تعیین تکلیف تنگه هرمز، در مراحل نهایی قرار داشته باشیم که سرنوشت این منطقه را رقم می‌زند: «ظاهرا نگارش فیلمنامه برای آخرین قسمت تریلر اقتصادی «تنگه هرمز؛ چگونه به اینجا رسیدیم و به کجا می‌رویم؟» رو به پایان است. بر اساس جدیدترین گزارش به نقل از یک «منبع ارشد ایرانی» که با رسانه‌های عرب و آمریکایی گفت‌وگو کرده، در حال حاضر یک توافق اصولی بر سر تقسیم کنترل این تنگه به دست آمده است. کشتی‌های ورودی از «کانال ایرانی» استفاده خواهند کرد، در حالی که کشتی‌های خروجی از طریق «کانال عمانی» در جنوب عبور می‌کنند. این امر امتیاز بزرگی برای ایران محسوب می‌شود و ترتیبات ترانزیت دریایی را به طور قابل توجهی دگرگون خواهد کرد. پیش از جنگ، این تنگه بدون هیچ‌گونه محدودیت یا نظارتی به روی تمام کشتی‌ها باز بود. در عمل، هر کشتی‌ای که بخواهد در یکی از بنادر خلیج فارس پهلو بگیرد، باید از سازمان تنگه خلیج فارس ایران درخواست مجوز ورود کند. هنوز نمی‌دانیم آیا معیارهایی برای صدور این مجوزها تعیین شده یا خیر؛ اینکه آیا ایران اجازه خواهد داشت کشتی‌های ورودی را بازرسی کند و برای مثال، مانع عبور کشتی حامل تسلیحات یا هر چیزی که آن را «مواد خطرناک» می‌نامد، بشود؟ همچنین نمی‌دانیم آیا ایران مجاز به ممنوعیت عبور کشتی‌های «دشمن» مانند ایالات متحده یا اسرائیل خواهد بود یا آیا راهی برای اعتراض به تصمیمات تهران وجود خواهد داشت؟»

به نوشته رسانه صهیونیست، اگر در رابطه با تنگه هرمز توافقی شکل بگیرد، این در واقع نظمی منطقه‌ای خواهد بود که به دولت ترامپ تحمیل شده است: «توافق هرمز، با فرض اینکه امضا شود، زاییده معماری منطقه‌ای است که به دونالد ترامپ تحمیل شده.

ادامه در صفحه ۴

«وطن‌امروز» گزارش می‌دهد؛ منطق شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز

تفاهمنامه کافی نیست

گروه سیاسی: تفاهمنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا بر اساس شرایط و واقعیت‌های جنگ تحمیلی ۴۰ روزه علیه ایران منعقد شد.

بسیاری در ایران، نسبت به تفاهمنامه انتقادهای جدی مطرح کرده و معتقدند با توجه به شکست گزینه نظامی آمریکا و همین‌طور ناتوانی آن کشور در به راه انداختن یک جنگ گسترده دیگر علیه ایران، باید امتیازهای بیشتری از دولت آمریکا گرفته می‌شد و مفاد تفاهمنامه اگرچه در مجموع به سود ایران است اما تیم مذاکره‌کننده می‌توانست امتیازهای بیشتری از آمریکا بگیرد.

با وجود این انتقادات گسترده، در نهایت به واسطه رای مثبت اکثر اعضای شورای عالی امنیت ملی و تأیید رهبر انقلاب، تفاهمنامه امضا شد.

دولت آمریکا اما در همان روزهای نخست اجرای تفاهمنامه، یکی از مفاد اصلی این توافق، یعنی کنترل تردد در تنگه هرمز را نقض کرد. هدف آمریکا از این اقدام، مخدوش کردن کنترل ایران بر ترددها در تنگه هرمز بود که با واکنش قاطع جمهوری اسلامی مواجه شد. ایران با استناد به مفاد تفاهمنامه و تثبیت حق خود بر مدیریت ترددها در تنگه هرمز، با کشتی‌های خاطی که به جای مسیر اعلام‌شده ایران، از مسیر تعیین‌شده توسط آمریکا در جنوب تنگه هرمز تردد می‌کردند، برخورد کرد. ترامپ نیز بلافاصله دستور داد اجرای تعهدات آمریکا در تفاهمنامه متوقف شود و حملات آمریکا به جنوب و برخی مناطق ایران آغاز شد. این درگیری‌ها بر سر کنترل تنگه هرمز رخ داد. مقامات دولت آمریکا به‌ویژه ترامپ در چند نوبت تصریح کردند هدف آنها جلوگیری از کنترل ترددهای تنگه هرمز از سوی ایران است اما نهایتا پس از نزدیک به ۲ هفته درگیری مستمر میان ۲ کشور، حملات متوقف شد.

ایران و عمان تقریبا به یک توافق دوجانبه درباره کنترل ترددها در تنگه هرمز رسیدند؛ توافقی که کنترل ایران بر تنگه هرمز را تایید و تثبیت کرده است. بنابراین توافق ایران و عمان، سند شکست ترامپ برای مخدوش کردن مدیریت ایران بر تنگه هرمز ارزیابی می‌شود. در حوزه میدانی نیز واکنش‌های ایران به حملات آمریکا نشان داد برخلاف ادعاهای مکرر ترامپ، توان دفاع موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ، افزایش یافته است. به‌ویژه حملات ایران به پایگاه‌ها و تاسیسات مهم نظامی آمریکا در اردن که خسارات سنگینی به ارتش آمریکا وارد کرد، به‌روشنی نشان داد توان موشکی ایران ارتقا یافته است. حملات ایران موجب شد در آمریکا انتقادات زیادی نسبت به تصمیمات ترامپ علیه ایران مطرح شود.

بنابراین در کنار مفاد توافق ایران و عمان بر سر مدیریت ترددها در تنگه هرمز، واقعیت‌های میدانی جنگ جدید نیز در نهایت به ضرر ترامپ تمام شد.

بر همین اساس، اکثر کارشناسان و صاحبنظران معتقدند پس از جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، ترامپ در درگیری‌های جدید علیه ایران نیز شکست خورد و نه‌تنها نتوانست به هدف خود یعنی جلوگیری از مدیریت ایران بر تنگه هرمز برسد، بلکه باعث شد معادله مورد نظر ایران درباره تنگه هرمز و همین‌طور توان نظامی مدیریت و کنترل تنگه هرمز تثبیت شود.

در چنین شرایطی، یک بار دیگر تحرکات واسطه‌ها شروع شد و این بار محور رایزنی‌های آنان، راضی کردن ایران به بازگشت به تفاهمنامه بود. بر اساس رایزنی‌های انجام شده، ایران و آمریکا به تفاهمنامه خاتمه جنگ بازمی‌گردند و تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز نیز بر اساس مفاد توافق ایران و عمان مدیریت می‌شود.

■ خاتمه جنگ بر اساس شرایط جدید

تفاهمنامه خاتمه جنگ، بر اساس شرایط و واقعیات جنگ ۴۰ روزه منعقد شد اما پس از نقض تفاهمنامه توسط آمریکا و حملات آن کشور به ایران، اکنون معادلات موجود میان ۲ کشور، دستخوش تغییراتی شده است. آمریکا برای گرفتن کنترل تنگه هرمز از ایران یک جنگ جدید علیه ایران به راه انداخت و واقعیت این است که در این جنگ نیز همانند جنگ ۴۰ روزه به اهداف خود نرسید. بنابراین توافق طرفین برای خاتمه جنگ، باید بر اساس این معادله جدید صورت بگیرد، لذا طبیعی است ایران نباید بدون در نظر گرفتن واقعیات جدید، به تفاهمنامه خاتمه جنگ با آمریکا بازگردد و به صورت مشخص تنگه هرمز را باز کند.

بر همین اساس، مقامات جمهوری اسلامی ایران طی روزهای اخیر اعلام کرده‌اند پذیرش خاتمه جنگ در این مقطع و بازگشایی تنگه هرمز پس از آن اتفاق می‌افتد که اولا آمریکا نیروهای خود را از اطراف ایران خارج کند، ثانیا تحریم‌های غیرقانونی و ظالمانه علیه ایران را لغو کند و ثالثا هیچ‌گونه شرارت و ممانعتی در مسیر دستیابی ایران به دارایی‌های مسدودشده خود ایجاد نکند. البته برخی موارد دیگر در تفاهمنامه، مانند لغو محاصره دریایی نیز جزو مطالبات ایران است.

دست کم به ۳ دلیل واضح، ایران این شرایط و شروط را برای پذیرش خاتمه جنگ و بازگشایی تنگه هرمز اعلام کرده است.

۱- مجازات آمریکا به خاطر نقض تفاهمنامه. در حالی که ایران صادقانه، اجرای تعهدات خود در تفاهمنامه خاتمه جنگ را آغاز کرد و طبق مفاد تفاهمنامه، فرآیند بازگشایی کامل تنگه هرمز را در دستور کار گذاشته بود، دولت آمریکا در چند مورد، تعهدات خود را نقض کرد. در لبنان، در حالی که طبق تفاهمنامه باید تجاوز رژیم صهیونیستی متوقف می‌شد و ارتش اشغالگر رژیم از جنوب لبنان عقب‌نشینی می‌کرد اما اولا آمریکا از طریق توافقنامه سه‌جانبه با دولت لبنان و رژیم صهیونیستی، تفاهمنامه با ایران را دور زد و عقب‌نشینی نظامیان رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان به خلع سلاح حزب‌الله مشروط شد، ثانیا مقامات رژیم صهیونیستی نیز در چند نوبت اعلام کردند از عقب‌نشینی از جنوب لبنان خودداری خواهند کرد. در کنار نقض عهد در موضوع لبنان، ترامپ در ماجرای دسترسی ایران به دارایی‌های مسدودشده‌اش نیز بر خلاف تفاهمنامه عمل و در دسترسی ایران به این اموال ممانعت ایجاد کرد. غیر از این ۲ مورد، ماجرای شرارت در تنگه هرمز نیز سومین نقض عهد ترامپ در قبال تفاهمنامه بود. بنابراین دولت آمریکا از همان روزهای نخست پس از امضای تفاهمنامه، برخی مفاد آن را نقض کرد. اکنون ترامپ از طریق واسطه‌ها از ایران می‌خواهد به تفاهمنامه‌ای که او برخی مفاد آن را آشکارا نقض کرده بازگردد. در حالی که اعتبار تفاهمنامه بسیار بیشتر از قبل مخدوش شده، لذا بازگشت به تفاهمنامه، زمانی از نظر ایران موضوعیت پیدا می‌کند که دولت آمریکا به خاطر نقض عهد مکرر مفاد آن، مجازات شود. از سوی دیگر، ایران با استناد به بی‌اعتباری دولت آمریکا معتقد است بازگشایی تنگه هرمز باید پس از اجرای تعهدات آمریکا انجام شود. به عبارت دقیق‌تر، با توجه به بدعهدی آمریکا و عدم پایبندی آن به تعهدات خود، ابتدا باید تعهدات طرف آمریکایی انجام شود تا پس از راستی‌آزمایی اجرای تعهدات، ایران تعهد خود مبنی بر بازگشایی تنگه هرمز را انجام دهد.

۲- آمریکا با وجود تعهد خود در تفاهمنامه مبنی بر پذیرش کنترل ایران بر ترددهای تنگه هرمز، تلاش کرد از طریق نظامی، کنترل تنگه هرمز را از دست ایران خارج کند. شکست آمریکا در این پروژه، یعنی تثبیت قدرت ایران در کنترل تنگه هرمز. به همین خاطر، اکنون معادله جدیدی میان ۲ کشور بر سر تنگه هرمز ایجاد شده و موقعیت ایران نسبت به طرف آمریکایی تقویت شده، لذا بر اساس معادله جدید، ایران در ازای بازگشایی تنگه هرمز، امتیازهای متناسبی با این وضعیت و معادله جدید طلب کرده است.

ترامپ با ندانم‌کاری، باعث شد یک بار دیگر قدرت ایران برای کنترل تنگه هرمز ثابت شود، لذا این بار او باید برای متقاعد کردن ایران به بازگشایی تنگه هرمز، امتیازات جدیدتری به جمهوری اسلامی ایران بدهد.

۳- بدعهدی و عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی، ویژگی همه دولت‌های آمریکا، خاصه دولت ترامپ است. همزمان با امضای تفاهمنامه خاتمه جنگ، مقامات ایرانی و اعضای تیم مذاکره‌کننده صراحتا اعلام کردند هیچ اعتمادی به طرف آمریکایی وجود ندارد و به همین خاطر در تفاهمنامه، شرایط لازم برای اتخاذ واکنش مناسب نسبت به بدعهدی احتمالی ترامپ تدارک دیده شد.

بنابراین حتی در شرایط فعلی که ترامپ پس از شکست در پروژه سلب کنترل ایران بر ترددهای تنگه هرمز، خواستار بازگشت طرفین به تفاهمنامه است، ایران امید چندانی به پایبندی آمریکا نسبت به اجرای تعهداتش در تفاهمنامه ندارد. بنابراین در چنین شرایطی، یکی از کاربردهای سیاست و موضع جدید ایران برای پذیرش خاتمه جنگ و بازگشایی تنگه هرمز، کارکرد تنبیهی آن است. دولت آمریکا و به صورت مشخص، شخص دونالد ترامپ باید با این واقعیت مواجه شود که هر نوع شرارت و بدعهدی نسبت به تفاهمات و توافقات با ایران، برای آمریکا هزینه‌ساز خواهد بود. بنابراین هر بار ترامپ تلاش می‌کند تعهدات آمریکا در قبال ایران را نقض کند، باید هزینه آن را نیز بپردازد. بر همین اساس، این سیاست ایران باعث می‌شود برآوردها و محاسبات دولت آمریکا نسبت به هر نوع نقض توافقات با ایران تغییر کند.